

نگرش تیزهوش

ناصرالدین کاظمی حقیقی

تیزهوش دارای بازخوردهای گوناگونی است. مانند: تصور از خود، بازخوردهای خانوادگی، بازخوردهای سیاسی و اجتماعی، بازخوردهای تحصیلی، موضع نظارت و اسناد تحصیلی. تصور از خود، نوعی ارزیابی کلی فرد درباره خویش است. مطالعات نشان می‌دهند که تصور از خود تیزهوش، بسیار قویتر از فرد عادی است و این تصور از خود در جنبه‌های تحصیلی، اجتماعی و رهبری نیز مصداق دارد.

تصور از خود تیزهوش از عوامل درونی (شخصیتی) نشأت می‌یابد و بستگی به وضعیت هوش، هیجانی و تحصیلی فرد دارد. اسنادهای تحصیلی تیزهوش غالباً به توانایی شخصی، کوشش فردی و مراجع قدرتمند محیطی باز می‌گردد. بررسی بازخوردهای تحصیلی تیزهوشان نشان می‌دهد که گزینش موضوعات و متون ویژه، فعالیت‌های مربوط به مطالعه، رقابت، انگیزه قوی نسبت به علم، استفاده از کامپیوتر، مطالعه مستقل، ارتباط قوی با هیأت علمی، ترجیح معلم شخص گرا و دارای برجستگی‌های شخصیتی و اجتماعی، و نیز برنامه ویژه، مورد تمایل تیزهوشان می‌باشند. موضع نظارت در میان تیزهوشان، درونی است. تقریباً کلیه تیزهوشان، اغلب یا همیشه در انتخابات سیاسی شرکت می‌کنند.

انواع بازخوردهای تیزهوش

بازخورد^۱های تیزهوش را می‌توان در حوزه‌های گوناگونی مطالعه کرد. عمده‌ترین این حیطه‌ها، که به تازگی مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته، «تصور از خود»، «بازخورد در مورد خانواده»، «بازخوردهای سیاسی و اجتماعی» و «بازخوردهای تحصیلی» می‌باشد. در پایان این بحث، جدیدترین تحقیقات پیرامون حیطه‌های متفرقه دیگر به طور خلاصه بررسی می‌گردد.

تصور از خود و نقش آن در تحصیل

«تصور از خود»^۲، نوعی ارزیابی کلی است که درباره شخصیت فرد ایجاد شده است و در واقع از ارزیابی‌های واقعی و عینی ناشی می‌شود که تمایل داریم تا درباره صفات رفتاری خویش بوجود آوریم. بنابراین، «تصور از خود» می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

دختر دانش‌آموزی که خود را فوق‌العاده باهوش، کمی خلاق، بسیار مسئولیت‌پذیر، اهل زندگی، نسبتاً بلند همت، کمی انعطاف‌پذیر در روابط اجتماعی، ورزشکار و ... می‌بیند در اصل فرد خودبین و از خود راضی نیست بلکه خود را از سطح خویش پایین نمی‌آورد. این برداشت صادقانه و بی‌شائبه، کاملاً در جهت مثبت قرار دارد، بنابراین می‌توان گفت که او دارای «تصور مثبتی از خود» است.

اصطلاحات «تصور از خود» و «حرمت خود»^۳ بسیار شبیه یکدیگرند. «حرمت خود» اشاره به کیفیت درجه بندی عالی یا پایین، برحسب مقام و موقعیت شخصی درک شده و عینی از خویش دارد. بنابراین شخصی با یک تصور مثبت از خود، حرمت عالی از خود خواهد داشت و برعکس.

«یانوس»^۴ (۱۹۸۵)، «تصور از خود»، «حرمت خود» و روابط همسالی را در میان کودکان تیزهوش بررسی نمود. ۲۷۱ تیزهوش در مقطع سنی ۵ سال و ۶ ماه تا ۱۰ سال و ۶ ماه با میانگین هوشبهر ۱۳۹/۹ و والدین آنها، پرسشنامه‌هایی را پاسخ دادند که به

اندازه‌گیری رفتاری تطبیقی، محیط خانوادگی، «تصور از خود» و رفاقت و دوستی مربوط می‌شدند.

۴۰٪ تیزهوشان، خود را بعنوان فردی متفاوت از افراد عادی برداشت می‌نمودند. نمرات «حرمت خود» برای این گروه به طرز معنی داری پایین‌تر از افرادی بود که برای خود، تمایزی قابل نبودند.

نظیر این مطالعه بوسیله «سیمونز»^{۴۱} (۱۹۸۶)، انجام یافت. در مطالعه سیمونز، ۲۰ تیزهوش ۴ و ۵ ساله و ۱۸ تیزهوش ۶ و ۷ ساله شرکت داشتند. به طور کلی افراد تیزهوش خود را از لحاظ حیطة شناختی، شایسته‌تر و لایق‌تر از همسالان غیر تیزهوش می‌دانستند. علیرغم اینکه نتایج در مورد لیاقت اجتماعی مبهم بود.

«دیویس» و «کانل»^{۴۲} (۱۹۸۵)، تفاوت بازخورد تیزهوش در مقایسه با فرد عادی در مورد صلاحیت شخصی را نشان دادند. آنها به مطالعه ۵۳ دانش‌آموز تیزهوش و ۷۲ دانش‌آموز عادی در پایه‌های تحصیلی ۴ تا ۶ پرداختند. ابزارهای اندازه‌گیری، مربوط به برداشت شخصی از صلاحیت خویش، جهت‌گیری‌های کلاسی، «موضع نظارت»^۴ و اضطراب تحصیلی می‌شد.

گروه تیزهوش به طرز معنی‌داری نسبت به گروه عادی، در ارزشیابی شخصی از صلاحیت، احساسات مربوط به مهارت فردی و نیز ترجیح تصمیم‌گیری مستقل، عالی‌تر بود.

مطالعات فوق‌نشان دهنده احساس تمایز تیزهوش در مقایسه با افراد عادی است. «سولانو»^{۴۳} (۱۹۸۳) در بررسی «حرمت خود» و «تصور از خود»، ۲۱۶ دانش‌آموز پایه‌های ۷ و ۸ که در ریاضیات در سطوح عالی و متوسط قرار داشتند، ثابت نمود که سطح توانایی ریاضی، تأثیر مستقیمی بر روی توصیفات فردی از «تصور از خود» دارد.

تیزهوشان از لحاظ «تصور از خود تحصیلی و اجتماعی» نیز بر افراد عادی، برتری نشان می‌دهند.

«وین»^{۴۴} (۱۹۸۲) به مقایسه «تصور از خود» دانش‌آموزان تیزهوش، عادی و ناتوان در یادگیری پرداخت. در این مطالعه، ۵۲ دانش‌آموز ناتوان در یادگیری، ۶۰ دانش‌آموز عادی و ۵۸ تیزهوش در پایه‌های چهارم تا هفتم، فهرستی را که مربوط به ارزیابی «تصور از خود» و «حرمت خود» می‌شد، تکمیل نمودند.

نتایج بررسی نشان داد که «تصور از خود تحصیلی»^۵ در گروه‌های عادی و تیزهوش از افراد ناتوان در یادگیری بالاتر بود. گرچه افراد ناتوان در یادگیری، به مقدار کمی از افراد تیزهوش در جنبه‌های بدنی و اجتماعی پیشتازی داشتند.

فرد تیزهوش در مقایسه با افرادی که از لحاظ هوشبهر در جایگاه‌های نازلتری قرار می‌گیرند، درک درستی از توانایی‌های تحصیلی و یادگیری خویش دارد. حتی می‌توان گفت که این برتری، جنبه‌های اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. «کلی» و «کولانجلو»^{۳۵} (۱۹۸۴) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه توانایی تحصیلی و «تصور از خود تحصیلی و اجتماعی» پرداختند.

۱۴۵ پسر و ۱۲۱ دختر دانش‌آموز در پایه‌های ۷ تا ۹ برحسب سطح توانایی، تقسیم‌بندی شدند. والدین، معلمان و همسالان دانش‌آموزان برای ارزیابی سطح تیزهوش، عادی و نیازهای یادگیری ویژه دانش‌آموزان تحت مطالعه، نمراتی دادند. علاوه بر آن کلیه دانش‌آموزان مزبور، مقیاس‌های مربوط به «تصور از خود» را تکمیل نمودند. نتایج مشخص ساختند که افراد تیزهوش، «تصور از خود تحصیلی و اجتماعی» عالیتری در مقایسه با غیر تیزهوشان دارند.

«چووان»^{۳۳} (۱۹۸۴) نشان داد که میان توانایی‌های تحصیلی و «تصور از خود» رابطه معنی‌داری وجود دارد. او بر روی ۴۸ کودک ۹ تا ۱۲ ساله که به چهارگروه ۱۲ نفری عقب مانده ذهنی، ناتوان در یادگیری، پیشرفته و تیزهوش تقسیم شده بودند، مقیاس «تصور از خود کودک» متعلق به «پیرز - هاریس»^۶ را اجرا نمود. تفاوت‌هایی میان این گروه‌ها در ۶ عامل مقیاس (رفتار، وضعیت‌هوشی و تحصیلی، شاخص بدنی، اضطراب، شهرت، خوشحالی) یافت شد. پیشرفته‌ها و تیزهوشان، پاسخهای عالیترو مثبت‌تری در مورد نگرش شخصی از توانایی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در مقایسه با ۲ گروه دیگر ارائه دادند.

نقطه تفاوت دیگر تیزهوشان از همسالان غیر تیزهوش خود در «تصور از خود»، برداشت از توانایی شخصی در رهبری است.

«فریدمان»^{۲۹} (۱۹۸۴)، ۲۸ دانش‌آموز پایه‌های ۴ و ۵ که در ربع بالا در توانایی رهبری بسر می‌بردند و از طریق خودشان معرفی شده بودند و نیز ۸۳ دانش‌آموز که توسط همسالان خود و ۵ نفر که از طریق معلمان معرفی گردیده بودند، را مورد مطالعه قرار داد.

برای ارزیابی این سه گروه، از تکلیف سه بخشی استفاده شد. هر فردی به درجه‌ای از این ۳ بعد (توانایی فوق‌العاده، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری) دست یافت که بطور کلی در عملکرد رهبری وی نمره‌ای داده شد. یافته‌ها مشخص می‌کنند که در میان این ۳ گروه که از سه منبع اطلاعاتی (خود، همسال و معلم) معرفی شده بودند، بهترین شیوه برای تشخیص افراد تیزهوش در رهبری، معرفی بوسیله خود، بود. معهدا محقق مزبور برای تشخیص مطلوب از توانایی رهبری هر سه منبع را به طور تلفیقی توصیه می‌نماید. بنابراین تیزهوش از توانایی رهبری خویش، برداشت صحیح و واقعی دارد که می‌تواند قابلیت خود گزینی تیزهوش را نشان دهد.

«گارلی»^{۳۱} (۱۹۸۴)، توانایی خود گزینی تیزهوش را در مطالعه دیگری تأیید نمود. تحقیق او نشان می‌دهد که توانایی خود گزینی تیزهوش می‌تواند به منزله عامل تشخیصی (شاخص تیزهوشی) محسوب گردد.

تغییرپذیری تصور از خود

آیا «تصور از خود» تیزهوش از چه عواملی تبعیت می‌کند و آیا این عوامل می‌توانند بازخورد شخصی تیزهوش را تغییر دهند و یا احیاناً تقویت نمایند؟

«براون»^{۲۲} (۱۹۸۲) با تحلیل سؤالات مقیاس «پیرز - هاریس» در مورد تصور از خود کودکان (PHC) که بر روی ۱۶۹ تیزهوش پایه‌های ۲ تا ۹ انجام پذیرفت، نشان داد که «تصور از خود» دانش‌آموزان تیزهوش، غالباً از عوامل درونی تبعیت می‌کنند و این نگرشها، در رابطه با تأثیرات خارجی و محیطی، تقریباً مصون می‌باشند.

مطالعه «براون» مؤید این واقعیت است که تأثیرپذیری و انعطاف بازخوردی تیزهوش از محرکهای محیطی بسیار کم است و برای تغییر بازخوردها و «تصور از خود» تیزهوش، باید به اصلاحات بنیادی در شخصیت وی پرداخت و انگیزه‌ها و عوامل ذاتی را در وی تحول بخشید. معهدا تغییر تصور از خود بستگی زیادی به وضعیت هیجانی تیزهوش دارد.

«استاندر»^{۴۳} (۱۹۸۴) به بررسی تغییرپذیری تصور از خود تیزهوشان پرداخت. او ۶۰ کودک تیزهوش سفید پوست انگلیسی زبان ۸ تا ۱۲ ساله را در آفریقای جنوبی که یک دوره سه ماهه تربیتی را گذراندند، از لحاظ تغییر «تصور از خود» مطالعه نمود. کودکان مزبور، قبل و بعد از دوره مقیاس PHC را تکمیل کردند. آنها در مقایسه با گروه کنترل، به طرز معنی‌داری «تصور از خود» مثبت‌تر و یا منفی‌تری داشتند. به عبارت دیگر به همان اندازه که «تصور از خود» در جهت مثبت تغییر کرده بود در جهت منفی نیز دستخوش تحول شده بود. افرادی که دچار مشکلات هیجانی بودند، تغییرات منفی در تصور از خود نشان دادند.

به طور کلی مطالعه «استاندر»، امکان تغییرپذیری تصور از خود را تأیید می‌نماید. این مطلب در تحقیق دیگری، مجدداً تأیید شد اما با این تفاوت که تحول «تصور از خود»، این بار بستگی به وضعیت هوشی و موقعیت تحصیلی و کلاسی فرد داشت.

«کلمن و فالتر»^{۲۶} (۱۹۸۵) تأثیر جداسازی آموزشی را بر روی «تصور از خود» تیزهوشان پایه چهارم بررسی کردند. نمرات ۱۰۲ تیزهوش شرکت کننده در مطالعه، در مقیاس PHC پیش از شروع برنامه ارزیابی شد. ۹۲ تیزهوش دیگر در طی برنامه، آزمون شدند. کلیه تیزهوشان دارای «تصور از خود» نیرومندی بودند. برخی از آنها دارای «تصور از خود» عالیتری پیش از شروع برنامه بودند. محققین برای تبیین این نتیجه، به تفکیک هوشی دانش‌آموزان پرداختند. پایین‌ترین نمرات «تصور از خود»، به افراد دارای هوشپایه پایین که در طی برنامه، ارزیابی شدند، مربوط می‌شد. به عبارت دیگر انتقال دانش‌آموزان تیزهوش با هوشپایه کمتر به برنامه‌های تفکیکی، وضعیت عاطفی غم‌انگیزی را در «تصور از خود» آنها، ایجاد می‌نماید، معهدا این مطالعه، تأثیر مهم محیطهای اجتماعی و آموزشی کودکان را بر روی «تصور از خود» تأیید می‌کند.

طرز «تصور از خود» از جمله عوامل مؤثر در پیشرفت و عقب ماندگی تحصیلی دانش‌آموز است. آنچه در زندگی بسیاری از کودکان کم‌آموز اتفاق افتاده، عبارت است از ناتوانی در همانند سازی با ولی همجنس خود و در نتیجه ناتوانی در درون فکنی، یا به خود بستن ارزشها و بازخوردهای همان ولی است.

در مورد کودکان تیزهوش و همینطور سایر کودکانی که نمی‌توانند همانند سازی مناسبی با بزرگسالان داشته باشند [زیرا الگو (پدر و مادر) به دلایل گوناگون در نظر آنها غیر قابل پذیرش است و آنها مجبورند الگوهای دیگری از رفتار پیدا کنند]. به نظر می‌رسد که آنها اغلب به گروه همقطاران نشان روی می‌آورند و به سایر کودکان ناراضی دارای زمینه مشابه ملحق می‌شوند. «گاف»^۷ (۱۹۵۵) معتقد است که کم‌آموزان سابقه‌دار دارای شخصیتی غیر اجتماعی هستند و مدرسه را بعنوان جزئی از الگوی کلی نفی ارزشهای جامعه طرد می‌کنند. «گاف» کشف کرد که کم‌آموزان سابقه‌دار، طبق معیاری که بازخوردهای ضد اجتماعی بزهکاران را مورد سنجش قرار می‌دهد، نمرات بالاتری از کودکان موفق می‌گیرند. بنابراین موضوع بحث را می‌تواند با ارزشهای شخصی کودکان کم‌آموز ضد اجتماعی شروع کرد. «پیرس»^۸ (۱۹۵۹) دریافت که دانش‌آموزان کم‌آموز، بیش از دانش‌آموزان موفق، بازخورد منفی نسبت به مدرسه، کار و «تصور از خود» نشان می‌دهند.

«مارو» و «ویلسون»^۹ (۱۹۶۱) روابط دوستی ۴۹ پسر دبیرستانی برخوردار از توانایی ذهنی برتر (گروه هوشبهر بیش از ۱۲۰) را که دارای میانگین نمرات پایینی بودند، با کسانی که میانگین نمرات بالاتری داشتند، مورد مقایسه قرار دادند. کم‌آموزان خودشان را بی‌اختیارتر، ماجراجوتر و بی‌قرارتر توصیف کردند. آنها دوست‌های خود را نیز بی‌علاقه به موفقیت تحصیلی، مخالف با اولیای امور، طالب هیجان و نشان دهنده نارضایی کلی از زندگی توصیف کردند. به همین ترتیب به نظر می‌رسد که دوستان کم‌آموزان قطعه‌ای دیگر از تصویر محیطی غیر مؤلف را تشکیل می‌دهند که کم‌آموزان در آن محیط عمل می‌کنند و در واقع طالب آن هستند.^{۱۰}

بازخوردهای تحصیلی

«بازخورد تحصیلی»^{۱۱} شامل کلیه دیدگاه‌های مربوط به علم، مطالعه، یادگیری، آموزش، ویژگی‌های معلم، امکانات و وسایل آموزشی، و ... می‌گردد.

در مطالعه «هارتی» و «بیل»^{۱۲} (۱۹۸۴) یافت شد که تیزهوشان در مقایسه با افراد غیر تیزهوش، بازخوردهای مثبت تری نسبت به علم دارند. آنها ۲۵ تیزهوش و ۲۵ غیر تیزهوش پایه ۵ را با توجه به بازخوردهای مربوط به علم مقایسه نمودند. هر دو گروه از لحاظ نژاد، جنس و حرمت خود اجتماعی، جور شده بودند. ابزارهایی مربوط به ارزیابی مهارت‌های اساسی و توانایی شناختی، اجرا گردید. یافته‌ها، نشان داد که افراد تیزهوش، بازخوردهای مثبت تری نسبت به علم، در مقایسه با افراد غیر تیزهوش دارند. بازخورد مثبت تیزهوش نسبت به علم، زمینه را برای مطالعه شدیدتر و گسترده‌تر در وی فراهم می‌سازد. میل به یادگیری و کنجکاوی علمی، ویژگی عمده فرد تیزهوش را تشکیل می‌دهد.

«مارتین»^{۱۳} (۱۹۸۴) به بررسی بازخورد ۱۲۴ تیزهوش در مقایسه با افراد عادی و زیر بهنجار پرداخت. دانش‌آموزان مزبور در پایه‌های تحصیلی ۶، ۷ و ۸، مشغول به تحصیل بودند. پس از تحلیل پاسخهای آنان، تفاوت‌هایی در ۴ حیطه مشاهده شد: ۱- گزینش موضوعات و عناوین مطالعاتی ۲- فعالیتهای تدارکاتی برای مطالعه ۳- آمادگی برای رقابت ۴- علائق و بازخوردها.

ارزیابی برنامه تحصیلی و معلم

نقد برنامه‌ریزی آموزشی و ویژگیهای هیأت علمی توسط تیزهوش، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده است. «کولانجلو» و «کلی»^{۱۴} (۱۹۸۳) در یک مطالعه تطبیقی با ۳۱ تیزهوش و ۲۰۴ عادی در پایه‌های ۷ تا ۹، بازخورد دانش‌آموزان را در مورد برنامه تحصیلی جویا شدند. دانش‌آموزان، اهمیت هر یک از فعالیتهای مدرسه‌ای و درجه مشارکت و فعالیت در پیشرفت تحصیلی را ارزیابی نمودند. در مجموع، تیزهوشان، بازخوردهای بهتری در مورد برنامه‌های ویژه تیزهوش ارائه دادند. در تحقیق دیگر، «میدگت» و «السون»^{۱۵} (۱۹۸۳) ارزیابی ۴۵۴ تیزهوش ۸ تا ۱۷ ساله را از برنامه‌های تحصیلی خود، بررسی

کردند. اکثریت تیزهوشان، از برنامه‌های ویژه، ارزیابی مثبتی کردند. این ارزیابی ارتباطی به سن، جنس و یا پایه تحصیلی نداشت. سه ویژگی برجسته‌ای که از دیدگاه تیزهوشان در برنامه تحصیلی وجود داشت این چنین بود:

۱- استفاده از کامپیوتر ۲- مطالعه مستقل ۳- ارتباط وسیع با معلمین، مباحثات گروهی و فعالیتهای آزمایشگاهی.

فرد تیزهوش برای معلم مطلوب خویش، ویژگیهایی قابل است که با دانش آموز عادی تفاوت دارد. «مک اوین» و «کراس»^{۳۷} (۱۹۸۲) در مطالعه ۲۶۰ دانش آموز تیزهوش که بعنوان غیر تیزهوش، تفکیک نشده بودند و نیز ۱۱۵ دانش آموز تیزهوش تفکیکی، در پایه‌های ۵ تا ۸، ویژگیهای مطلوب یک معلم را بررسی نمودند. تفاوت‌های معنی‌داری میان دو گروه از لحاظ خصوصیات مناسب برای معلم بدست آمد. دانش‌آموزان تیزهوش و مستعد تفکیکی، ترجیح می‌دادند که معلم آنها، به عوض جنبه‌های تحصیلی، «شخص‌گرا» باشد.

یافته فوق، با مطالعات بعدی تأیید گردید. «دارهات»^{۳۸} (۱۹۸۳) در مقایسه بازخورد تیزهوشان (پایه‌های ۵ تا ۱۲) و ۱۱۰ معلم آنها، در مورد ویژگیهای یک معلم مطلوب، نتایج قابل ملاحظه‌ای بدست آورد.

به طور کلی دانش‌آموزان، معلمی را ترجیح می‌دادند که دارای ویژگیهای برجسته‌ای از جنبه شخصی - اجتماعی (در مقابل شناختی - هوشی) باشد. اسنادهای معلمین به طرز معنی‌داری با دانش‌آموزان تفاوت داشت. لذا ضروری است که معلمین دوره متوسطه، از لحاظ شناخت ترجیحات و علایق تیزهوش در مورد شخصیت معلم، آگاهی کافی را کسب کنند و خود را با دیدگاههای تیزهوش وفق دهند زیرا برای تردید یک دانش‌آموز تیزهوش در صورت احراز رفتارهای مطلوب معلم، به فعالیت یادگیری و تحصیلی بیشتری اقدام می‌ورزد.

در واقع تیزهوش بیش از ابعاد شناختی و هوشی، به ویژگیهای شخصیتی و اجتماعی معلم خویش بها می‌دهد.

اسناد تحصیلی

«اسناد»^{۱۱} در روان‌شناسی اجتماعی اشاره به گرایش به ادراکات، حرکات، صفات و توانایی‌های سایر مردم براساس مشاهده رفتارهای آنان دارد. به عبارت دیگر تمایلی کم و بیش خودبخودی در جهت تبیین فعالیتهای دیگران است. «اسناد» یک حقیقت نیست گرچه ممکن است اینگونه به نظر برسد. به بیان دیگر، ضمن اینکه ظاهراً کمی با واقعیت ارتباط دارد ولی بیشتر از آن، به ویژگیهای شخصیت و تخیلات فرد برداشت‌کننده مربوط می‌شود.

تحقیق پیرامون «اسنادهای تیزهوش» (بویره اسنادهای تحصیلی وی)، موضوع بسیار جدیدی است. از دیدگاه تیزهوش، موفقیت و شکست تحصیلی، به علل ویژه‌ای ارتباط دارند. غالباً در بررسی اسنادهای تحصیلی، عواملی نظیر توانایی، کوشش، محتوی، بخت و اقبال را مد نظر قرار می‌دهند. اما از دیدگاه تیزهوش، کم و بیش تفاوت‌هایی در این زمینه به چشم می‌خورد.

«پاورز» و «داگلاس»^{۳۹} (۱۹۸۳) بر روی ۷۴ تیزهوش، یک مقیاس ۲۴ سؤالی اسناد مجموعه‌ای، اجرا نمودند. تیزهوشان مزبور در یک دوره برنامه پیش‌دانشگاهی تیزهوشان شرکت جسته بودند. یافته‌ها نشان داد که از دیدگاه تیزهوشان، موفقیت تحصیلی به توانایی و کوشش اسناد داده می‌شود و شکست تحصیلی به حیطة کوشش ارتباط دارد.

«دیویس» و «کانل» (۱۹۸۵) در مطالعه ۵۳ کودک تیزهوش و ۷۲ کودک عادی پایه‌های چهارم تا ششم، به تفاوت اسنادی برخورد نمودند. تیزهوشان یکبار دیگر نشان دادند که در اخذ تصمیم به طور مستقل، برتری دارند و در مقایسه با افراد عادی، دارای فهم و درک عالیتری در مورد علل موفقیت و شکست تحصیلی می‌باشند.

افراد ناموفق در مقایسه با دانش‌آموزان موفق، به عوامل دورنی و فردی در مورد موفقیت و شکست تحصیلی اشاره می‌کردند. در مقابل، دانش‌آموزان موفق، غالباً، نقش مراجع قدرتمند محیطی را بر روی نتایج، تأکید می‌نمودند.

«پاورز» (۱۹۸۳) با مقایسه نمرات میانگین ۱۲۰ دانش‌آموز تیزهوش دبیرستانی در سنین ۱۴ تا ۱۸ با نمرات میانگین گروه عادی، در یک مقیاس اسناد ریاضی (MAS) یافتند که افراد تیزهوش، غالباً به کوشش شخصی و عوامل محیطی در پیشرفت

تحصیلی اشاره دارند.

بازخورد خانوادگی

بازخورد تیزهوش در مورد اعضاء خانواده و حل تعارضات وی با برادران و خواهران در مقایسه با فرد عادی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. مطالعات جدید نشان می‌دهند که روابط خانوادگی تیزهوش به وضعیت هوشبهر وی وابسته است. در این مقال به دو تحقیق جدید اشاره می‌شود:

«بالرینگ» و «کاج»^{۲۰} (۱۹۸۴) ۲۰ خانواده را که دارای ۲۲ تیزهوش و ۲۵ غیر تیزهوش ۶ تا ۱۶ ساله بودند، مورد بررسی قرار دادند. آزمون‌های مربوط به اندازه‌گیری هوش، روابط خانوادگی و سازگاری، بر روی آنها اجرا گردید. نتایج مطالعه نشان دادند که تیزهوشان در مقایسه با غیر تیزهوشان، روابط عاطفی منفی‌تری با برادران و خواهران غیر تیزهوش خود بروز می‌دهند و جنبه عاطفی مثبت‌تری نسبت به مادران خود اظهار می‌دارند. این مطالعه همچنین آشکار ساخت که روابط خانوادگی فرد، با هوش وی ارتباط دارد و به عبارت دیگر هرچه نمره هوشبهر افزایش یابد، دیدگاه‌های فرد از لحاظ رابطه عاطفی مثبت با خواهران و برادران غیر تیزهوش، کاهش نشان می‌دهد.

افراد تیزهوش در رابطه با حل تعارضات اعضاء خانواده، دیدگاه‌های ویژه‌ای دارند.

«پروکاسکا» و «پروکاسکا»^{۴۱} (۱۹۸۵) ۱۴۹ تیزهوش پایه چهارم را که دارای حداقل یک همشکم بودند مورد بررسی قرار دادند. این تیزهوشان، غالباً کشمکش‌ها و تعارضاتی با همشکمان خویش گزارش می‌کردند. تیزهوشان (بویژه پسران)، مداخله والدین از طریق جداسازی و نظم خانوادگی را مؤثرترین راه حل کشمکش می‌دانستند.

بازخوردهای نظارت

اخیراً بررسی بازخوردهای تیزهوشان نسبت «به موضع نظارت» مورد توجه محققین قرار گرفته است. در اینجا به سه تحقیق جدید اشاره می‌شود:

«زافران»^{۴۶} (۱۹۸۳) ۴ دانش‌آموز تیزهوش و مستعد دبیرستانی را مورد مصاحبه قرار داد تا تحول بازخوردهای نظارت را در میان آنها مورد پژوهش قرار دهد. افرادی که در زندگی این دانش‌آموزان نقش مهمی ایفاء می‌نمودند نیز مصاحبه شدند. دانش‌آموزان مزبور در ۸ مقوله، آموزش دیدند و سپس مورد امتحان قرار گرفتند. این ۸ مقوله عبارت بود از: برداشت و احساس نسبت به خود، ابتکار، آمادگی پاسخ به موقعیت‌ها، رهبری / فعالیت، تطابق، تصمیم‌گیری، اهداف، و ارتباطات اجتماعی. هر یک از دانش‌آموزان به تک تک مقولات فوق بر طبق نقش خارجی، شخصی (درونی) و یا مختلط در بازخوردهای نظارت نمره دادند. نتایج نشان دادند که:

۱. مقیاس‌ها برای توصیف بازخوردهای نظارت، کفایت نداشتند.

۲. توصیفات دانش‌آموزان از خویش با توجه به موضع نظارت، لزوماً از طریق الگوهای رفتاری انجام نمی‌گیرد.

۳. تأثیرات والدین در هر مقوله‌ای، تفاوت دارد.

۴. بازخوردهای نظارت از عوامل دیگری غیر از والدین و حوادث خارجی، اثر می‌پذیرند.

۵. بازخوردهای خارجی یا مختلط مربوط به موضع نظارت، دلالتی بر ضعف، بیماری و یا ناسازگاری ندارد و نیز بازخوردهای درونی، دال بر قوت، سلامت یا سازگاری نیست.

۶. برجسب‌های درونی و خارجی، غیر دقیق و بی‌اعتبار است.

محقق مزبور نتیجه می‌گیرد که بررسی موضع نظارت باید مجدداً انجام گیرد.

«هارتی»^{۳۲} (۱۹۸۴) ۳ گروه از دانش‌آموزان پایه‌های ۲ تا ۵ تحصیلی را برای تشخیص «تصور از خود» و «موضع نظارت» مورد

تحقیق قرار داد:

گروه اول به تعداد ۸۶ نفر در کلاسهای ویژه تیزهوش در یک مدرسه شرکت جستند. گروه دوم به تعداد ۹۴ نفر در کلاسهای عادی تحت آموزش یک معلم ویژه تیزهوشان قرار گرفتند. و گروه سوم به تعداد ۶۴ نفر گروه کنترل را تشکیل می‌دادند. آنها بوسیله معلمین بعنوان تیزهوش، تشخیص داده شده بودند اما تحت برنامه ویژه تیزهوشان قرار نگرفتند. کلیه دانش‌آموزان، «مقیاس کودکان متعلق به پیرز - هاریس» و یک مقیاس مربوط به «موضع نظارت» را تکمیل نمودند. تفاوت‌های معنی‌داری در «موضع نظارت» میان سه گروه مشاهده شد: گروه اول، بیشترین «موضع نظارت درونی (شخصی)»^{۱۲} را گزارش نمودند و عالیترین سطح تیزهوشی تحصیلی را ارائه دادند. پژوهشگر مزبور نتیجه می‌گیرد که «موضع نظارت» ممکن است بعنوان شیوه‌ای برای تشخیص تیزهوشان جوانتر استفاده شود زیرا به طور بالقوه، ویژگی تمیزدهندگی را دارا می‌باشد. «برودی» و «بن باو»^{۲۱} (۱۹۸۶) در مطالعه بر روی ۳۰۰ دانش‌آموز بالغ که در توانایی کلامی یا ریاضی، وضعیت فوق‌العاده‌ای داشتند (با میانگین سنی ۱۳/۷) و نیز یک گروه ۱۱۱ نفری مقایسه‌ای (تقریباً با سن مشابه)، دریافت کردند که افراد تیزهوش «موضع نظارت» غالباً درونی (شخصی) دارند. «الکساندر»^{۴۱} (۱۹۸۵) در بررسی دیدگاه‌های ۱۲۷ تیزهوش و ۱۱۶ غیر تیزهوش (در سنین ۱۲ تا ۱۷) در مورد هوش، به تفاوت میان دو گروه دست یافت. افراد تیزهوش، برتری خویش را ناشی از عوامل انگیزشی درونی نظیر کوشش و بازخورد می‌دانستند. «الکساندر» بار دیگر نشان داد که «موضع نظارت» در تیزهوش که بامال منجر به موفقیت و برتری محرز می‌گردد، امری درونی است.

بازخوردهای سیاسی و اجتماعی

در مطالعه «ترمن»^{۴۲}، ۱۲۴۱ تیزهوش (۶۹۸ مرد و ۵۴۳ زن) از طریق «خودسنجی»^{۱۳} در مورد «محافظه کاری- رادیکالیسم»^{۱۴} (I-C) بر طبق یک میزان ۹ رتبه‌ای، درجه و نمره دادند. این پیوستار از «کاملاً رادیکال شروع می‌شد و به کاملاً محافظه کار» می‌انجامید. تیزهوشان مزبور در اواسط زندگی خود یعنی حدود ۴۴ سالگی در سال ۱۹۵۰ عقاید خویش را براساس ملاک فوق‌الذکر اینگونه نمره دادند:

بر طبق جدول ۱، بیش از نیمی از مردان و تقریباً $\frac{3}{4}$ زنان، خود را در وسط مقیاس قرار داده‌اند. مردان در مقایسه با زنان گرایش بیشتری به محافظه کاری داشتند. (۵/۵۷ در مقابل ۵/۳۸).

جدول ۱- نتایج خودسنجی تیزهوشان در مقیاس I-C (۱۹۵۰).

مردان		زنان		جنسیت	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	I-C	
۱	۰/۱	۰	۰	کاملاً رادیکال	۱
۹	۱/۳	۵	۰/۹		۲
۶۲	۸/۹	۵۶	۱۰/۳	گرایش به رادیکالیسم	۳
۹۳	۱۳/۳	۷۶	۱۴		۴
۱۹۹	۲۸/۵	۱۸۹	۳۴/۸	متوسط	۵
۸۲	۱۱/۸	۵۶	۱۰/۳		۶
۲۰۶	۲۹/۵	۱۴۰	۲۵/۸	گرایش به محافظه کاری	۷
۲۹	۴/۲	۱۲	۲/۲		۸
۱۷	۲/۴	۹	۱/۷	کاملاً محافظه کار	۹
۶۹۸		۵۴۳		جمع	
۵/۵۷		۵/۳۸		میانگین	
۱/۵۴		۱/۴۵		انحراف معیار	

در این مورد تفاوت جنسی در سطح ۹۷٪ معنی دار بود. این تفاوت در نقطه متوسط ۶ و ۵ و ۴ و نیز حیطة محافظه کاری (۹ و ۸ و ۷) در میان مردان و زنان بدست آمد. برای هر دو جنس، حیطة رادیکالیسم تفاوتی نداشت (۱۰٪ و ۱۱٪). تفاوتی که در دو مقطع ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بدست آمد در جدول «دو» دیده می شود:

جدول ۲ - تفاوت خودسنجی (برحسب I-C) تیزهوشان در سال ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰.

مردان		زنان		جنسیت		I-C		
				۱۹۴۰	۱۹۵۰			
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۳۶	۲۲/۶	۶۲	۱۰/۳	۹۱	۱۸/۴	۵۷	۱۱/۵	(۱ تا ۳)
۲۸۹	۴۸	۳۲۵	۵۴	۲۸۲	۵۷/۱	۲۸۳	۵۷/۳۰	(۴ تا ۶)
۱۷۷	۲۹/۴	۲۱۵	۳۵/۷	۱۲۱	۲۴/۵	۱۵۴	۳۱/۲	(۷ تا ۹)

تفاوت میان دو تاریخ در هر دو جنس در سطح ۹۹٪ از لحاظ آماری معنی دار بود. برای مردان ۲۹٪ به ۳۶٪ و زنان ۲۴٪ به ۳۱٪ از لحاظ محافظه کاری تفاوت وجود داشت. در سال ۱۹۵۰، نقطه های انتهایی (۹ و ۱) کمترین فراوانی را داشت. رابطه میان درجه بندی شخصی در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ برای هر دو جنس ۶۲٪ بود.

سن

«سن» بعنوان یک عامل محیطی (خارجی) در گرایش سیاسی مطرح بوده است. بر طبق جدول «سه»، جوانترین گروه (متولد ۱۹۱۵ به بعد)، از گروه مستتر ثبات کمتری در محافظه کاری نشان داده است. (۵/۱۸ برای جوانترین در مقایسه با ۵/۶۲ برای مستترین) سه گروه مسن تر، تفاوتی را در این زمینه بروز ندادند. همین گرایش، در جنسی مؤنث نیز برای متولدین ۱۹۱۵ به بعد نیز نشان داده شد اما این اختلاف، معنی دار نبود (میانگین سه گروه مستتر ۵/۴۱ و گروه جوان، ۵/۱۶ بود).

جدول ۳ - نتایج سنی و میزان I-C

مردان			زنان			سال تولد
تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	
۵۸	۵/۶۲	۱/۴۸	۱۵	۶/۲۷	۱/۱۲	قبل از ۱۹۰۵
۲۲۸	۵/۶۱	۱/۵۹	۱۷۷	۵/۳۹	۱/۴۵	۱۹۰۵-۱۹۰۹
۳۳۵	۵/۶۴	۱/۵۳	۲۷۷	۵/۳۸	۱/۴۶	۱۹۱۰-۱۹۱۴
۷۷	۵/۱۸	۱/۳۸	۷۴	۵/۱۶	۱/۳۹	۱۹۱۵ به بعد

تحصیل

در میان مردان و زنان، محافظه کارترین افراد، کسانی بودند که وارد کالج شده بودند اما فارغ التحصیل نشدند. فارغ التحصیلان به مرکز مقیاس نزدیکتر بودند و در میان زنان، این امر بیش از مردان بروز داشت. کسانی که وارد کالج نشده بودند در کلیه موارد، میان دو گروه تحصیلی دیگر قرار داشتند. در میان گروه فارغ التحصیل، مردان، تفاوتی را در مورد میزان I-C بر طبق درجه تحصیلی نشان دادند. در جدول چهار،

نتایج I-C از لحاظ وضعیت تحصیلی به چشم می خورد:

جدول ۴- نتایج سطح تحصیلات و میزان I-C

مردان			زنان			جنسیت
تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	
۵۰۴	۵/۵۱	۱/۵۴	۳۸۳	۵/۳۰	۱/۴۱	سطح تحصیلات فارغ التحصیل
۱۰۷	۵/۸۳	۱/۴۴	۷۸	۵/۶۰	۱/۴۴	دانشجوی سال ۱ تا ۴
۸۷	۵/۶۲	۱/۶۰	۸۲	۵/۵۴	۱/۴۹	زیر کالج

شغل و حرفه

نقطه نظرات سیاسی و اجتماعی همراه با شغل و حرفه، تنوع و پراکندگی داشت. گرچه در این مورد استثنائاتی به چشم می خورد. بر طبق «مقیاس حرفه‌ای مینه سوتا»^{۱۵}، مردان گروه I دارای میانگین ۵/۴۰ در درجه بندی I-C بودند و این میانگین برای گروه II، ۵/۷۲ بود. مردان گروه III تقریباً مشابه با گروه II بودند (در حدود ۵/۷۳).

محافظه کارترین گروه، ۱۱ مرد از گروه IV بودند (کشاورزی و مشاغل مربوط به آن، ۶/۴۵).

(طبقه بندی مشاغل «مینه سوتا» در مبحث گرایش‌های سیاسی ذکر شده است).

در جدول «پنج» نتایج شغلی و حرفه‌ای نشان داده شده است.

اغلب مردانی که دارای مشاغل ۱ تا ۶ بودند، معمولاً بازخورد سیاسی آزادخواهانه تری داشتند. این امر بویژه هنگامی که

مشاغل ۱۱ تا ۱۷ و ۱۸ تا ۲۱ نیز مقایسه می شوند، بارزتر است.

آزادخواه ترین گروه، زنانی بودند که مشاغل متنوع و پراکنده‌ای داشتند این میانگین برای آنها ۴/۶۳ بود. زنان خانه دار،

بعنوان بزرگترین گروه شرکت کننده (۳۳۹ نفر)، میانگین ۵/۵۰ داشتند. در جدول «شش» مشاغل زنان تیزهوش و I-C نشان داده

شده است.

جدول ۵- نتایج شغلی و حرفه‌ای و میزان I-C

ردیف	شغل	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۱	خدمات شغلی و رفاهی	۱۱	۴/۲۷	۰
۲	روزنامه نگار، مؤلف	۱۷	۴/۲۹	۱/۲۷
۳	روحانی	۷	۴/۴۳	۰
۴	دانشمند در علوم سیاسی یا اقتصادی	۷	۴/۴۳	۰
۵	کارگردان، تهیه کننده، نویسنده	۱۴	۴/۷۱	۱/۵۲
۶	استاد کالج یا دانشگاه	۴۰	۴/۷۵	۱/۳۹
۷	معلم	۳۵	۵/۰۸	۱/۲۱
۸	معمار	۸	۵/۳۸	۰
۹	امارگر و محاسبه گر	۳۸	۵/۴۷	۱/۴۸
۱۰	شیمیدان یا فیزیکدان	۳۲	۵/۵۰	۱/۴۶
۱۱	روابط عمومی و اجتماعی	۲۲	۵/۶۶	۱/۳۲
۱۲	تجارت، کسب ازا	۳۴	۵/۶۵	۱/۸۰
۱۳	امور بازرگانی	۲۵	۵/۶۸	۱/۳۰
۱۴	پزشک	۴۱	۵/۷۳	۱/۱۵
۱۵	مشاغل اجرایی در کسب و صنعت	۵۹	۵/۸۵	۱/۲۴
۱۶	حقوقدان	۷۱	۵/۸۵	۱/۴۱
۱۷	مهندس	۴۸	۵/۸۸	۱/۷۶
۱۸	نظامی	۱۶	۶/۱۹	۱/۴۷
۱۹	امور بانکی، مالی یا بیمه	۳۶	۶/۳۹	۱/۲۸
۲۰	کشاورزی و زراعت	۱۱	۶/۴۵	۰
۲۱	فروشنده در امور مهندسی و فنی	۱۹	۶/۵۸	۱/۲۳

جدول ۶ - مشاغل زنان تیزهوش و میزان I-C

ردیف	شغل	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۱	مشاغل متفرقه	۵۴	۴/۶۳	۱/۴۰
۲	مشاغل دانشگاهی	۲۹	۵/۱۷	۱/۷۰
۳	امور اداری و تدریس در دبیرستان	۴۶	۵/۱۷	۱/۴۶
۴	خانه دار	۳۳۹	۵/۵۰	۱/۳۳
۵	اداری، تجاری، سایر مشاغل دفتری	۶۶	۵/۶۴	۱/۵۱

درآمد

در سال ۱۹۴۹، ۳۲۲ نفر دارای درآمد سالانه ۷۰۰۰ دلار بودند که میانگین آنها ۵/۷۲ بود. یعنی غالباً محافظه کارتر بودند. در حالی که گروه دیگر که کمتر از ۷۰۰۰ دلار درآمد داشتند، دارای میانگین ۵/۴۵ بودند. این تفاوت، معتبر بود ($p=0/02$). برای زنان، این امر، برعکس بود. ۲۱ زن که درآمد ۶۰۰۰ دلار یا بیشتر داشتند، آزادیخواهترین گروهها را تشکیل می دادند. اما این تفاوت معتبر نبود. بهرحال در مجموع می توان گفت که مردان و زنان تیزهوش که در حدود بالای ۷۰۰۰ دلار درآمد داشتند، نسبتاً محافظه کارتر از گروه زیر ۷۰۰۰ دلار بودند.

هوش

رادیکالیسم با آزادیخواهی ارتباط مثبتی با نمرات بالا در آزمون «تصور از تسلط»^{۱۶} داشت. این نتایج در جدول «هفت»، دیده می شود:

جدول ۷- نمرات بر مبنای آزمون تصور از تسلط

زنان		مردان		جنسیت		درجه بندی
انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۱۵/۸	۱۵۳/۷	۵۰	۲۱/۷	۱۵۵/۱	۴۹	رادیکالیسم (۱و۳و۲)
۲۹	۱۳۲/۷	۲۴۸	۲۸/۶	۱۴۰/۱	۲۸۰	متوسط (۴و۵و۶)
۲۵/۹	۱۲۶/۸	۱۱۶	۲۹	۱۳۵/۳	۱۷۹	محافظه کاری (۷و۸و۹)

برای مردان میانگین ۱۵۰ و برای رادیکالیسم (۳ و ۲ و ۱) و ۱۴۰ برای حد متوسط (۶ و ۵ و ۴) بدست آمد. تفاوت مزبور به طور فوق العاده ای معتبر بود ($p=0/001$).

در میان زنان، میانگین های ۱۵۳/۷ برای رادیکالیسم و ۱۳۲/۷ برای حد متوسط بدست آمد که این اختلاف، معنی دارتر بود. ($p=0/0001$).

کسانی که خود را محافظه کارتر تلقی می کردند، پایین ترین نمرات «تصور از تسلط» را داشتند، اختلاف میانگین نمرات حیطه محافظه کاری (۹ و ۸ و ۷) برای دو جنس چندان معنی دار نبود. ($p=0/09$ برای مردان) و ($p=0/05$ برای زنان).

گرچه تعداد موارد با هوشبهر بالای ۱۷۰ کمتر از حدی بود که بتوان استنتاجی نمود اما اینگونه افراد، گرایش کمی به محافظه کاری نشان می دادند. ۴۲ مردی که دارای هوشبهر ۱۷۰ و بالاتر در طفولیت بودند، در درجه بندی I-C در سال ۱۹۵۰، میانگین $5/07$ ($S.D = 1/8$) داشتند و برای گروه کلی مردان، این میانگین $5/57$ بود.

برای ۳۱ زن که در دوران طفولیت دارای هوشبهر ۱۷۰ و بالاتر بودند در سال ۱۹۵۰ میانگین $5/19$ ($S.D = 1/51$) در مقایسه با یک میانگین $5/38$ برای کلیه زنان بدست آمد.

گرچه افراد دارای هوشبهر عالی در دوره کودکی، به طور متوسط غالباً گرایش آزادیخواهانه داشتند اما در حد فاصل ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بیشتر محافظه کار شدند. میانگین I-C برای مردان این گروه در سال ۱۹۴۰، $4/83$ و برای زنان در همین سال $4/90$ بود.

گرایش های سیاسی^{۱۷}

از ۱۲۵۰ تیزهوشی که مورد بررسی قرار گرفتند ۵۵٪ از مردان و نیمی از زنان، خود را جمهوریخواه توصیف کردند. ثلث مردان و ۲/۵٪ زنان، دموکرات و ۲/۶٪ از هر دو جنس، سوسیالیست بودند. هیچیک در بخش کمونیست قرار نگرفت. ۷/۸٪ از

مردان و ۶٪ از زنان دارای گرایشهای متفرقه بودند.

از لحاظ میزان I-C در طی سالهای ۵۰ - ۱۹۴۰، گرایش به محافظه کاری بطرز بسیار بارزی مشهود بود. در حدود ۱۰٪ مردان و ۸٪ زنان بیش از سال ۱۹۴۰، خودشان را جمهوریخواه معرفی کردند.

تعداد دموکراتها در میان مردان از ۴۰٪ در سال ۱۹۴۰، به ۳۳٪ در سال ۱۹۵۰ کاهش یافت در حالیکه سهم زنان به سختی تغییر کرد.

سوسیالیستها در هر دو جنس تقریباً از ۴٪ در سال ۱۹۴۰ به ۲/۶٪ در سال ۱۹۵۰ کاهش داشتند.

۱۰٪ مردان و ۱۲٪ زنان در مقوله «هیچیک» و یا «گرایش مستقل»، قرار داشتند.

مقایسه بخش گرایشهای سیاسی با درجه بندی شخصی I-C نشان می دهد که دموکراتها (هم زنان و هم مردان) به طرز معتبری، نقطه نظرات سیاسی و اجتماعی آزادخواهانه تری را پیش گرفته اند.

در میان مردان، دموکراتها با یک میانگین I-C در حدود ۴/۵۱، فقط نیم رتبه از نقطه وسط مقیاس فاصله داشتند در حالیکه

جمهوریخواهان دارای میانگین ۶/۴۸ بودند. (جدول ۸)

جدول ۸- گرایشهای سیاسی و رابطه آن با I-C (۱۹۵۰)

مقوله سیاسی	مردان			زنان		
	میانگین	درصد	تعداد	میانگین	درصد	تعداد
جمهوریخواه	۶/۲۵	۴۹/۵	۲۶۸	۶/۴۸	۵۵/۱	۳۸۷
دموکرات	۴/۶۰	۴۰/۵	۲۱۹	۴/۵۱	۳۳/۱	۲۳۳
سوسیالیست	۳/۰۷	۲/۶	۱۴	۳/۴۷	۲/۶	۱۸
سایر گرایشها	۳/۵۷	۱/۳	۷	۲/۸۸	۱/۴	۱۰
بدون گرایش	۴/۸۸	۶/۱	۳۳	۴/۹۱	۷/۸	۵۵

عادات انتخاباتی^{۱۸}

جدول «نه»، اطلاعات مربوط به شرکت در فعالیتهای انتخاباتی ملی، ایالتی و مجموعی را در سال ۱۹۵۰ نشان می دهد.

۹۴٪ مردان و ۹۸٪ زنان در بند «همیشه» و یا «اغلب» قرار گرفتند. این نتیجه تقریباً با یافته سال ۱۹۴۰ یکسان بود.

جدول ۹- درصد شرکت در انتخابات - ۱۹۵۰

	کل		ملی		ایالتی	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
همیشه	۴۹/۲	۵۸/۷	۸۲	۸۹/۴	۷۰/۲	۷۵/۱
اغلب	۳۶/۲	۳۲/۶	۱۲	۸/۷	۲۰/۴	۲۰
گاهی	۶/۵	۴/۵	۱/۹	۰/۲	۳/۲	۱/۹
بندرت یا هرگز	۸/۱	۴/۲	۱/۴	۱/۷	۶/۲	۳/۰

جدول ۱۰- میزان فعالیتهای انتخاباتی در میان مردان و زنان تیزهوش

میزان فعالیت	مردان		زنان	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کلیه انتخابات	۵۲۷	۸۱/۶	۴۱۴	۸۱/۵
ملی و ایالتی	۱۴	۲/۲	۶	۱/۲
فقط ملی	۴۶	۷/۱	۴۹	۹/۷
فقط ایالتی	۱	۰/۲	۱	۰/۲
بندرت	۲۱	۳/۳	۲۰	۳/۹
هیچ	۳۷	۵/۷	۱۸	۳/۵
جمع	۶۴۶		۵۰۸	

جدول ۱۱- گرایشهای سیاسی مردان و زنان تیزهوش

نوع گرایش	مردان		زنان	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
نامعین	۴۱	۷/۲	۴۵	۹/۷

۲/۲	۱۰	۲/۸	۱۶	مستقل
۰	۰	۰/۲	۱	کمونیت
۱/۸	۵	۱/۸	۶	رادیکال
۴/۳	۲۰	۳/۵	۲۰	سوسیالیست
۱۲/۵	۵۸	۱۳	۷۴	آزادخواه
۱/۷	۸	۳/۵	۲۰	عقیده جدید
۲۷/۸	۱۲۶	۲۳/۴	۱۳۳	دموکرات
۳۷/۹	۱۷۶	۳۸/۹	۲۲۱	جمهوریخواه
۳/۷	۱۷	۶/۳	۳۶	محافظه کار
	۴۶۵		۵۶۸	جمع

جدول ۱۲- نتایج درصدی میزان I-C در میان مردان و زنان تیزهوش

زنان		مردان		جنسیت	حیطه‌های I-C
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۰/۷۴	۴	۱/۶۵	۱۱	رادیکال شدید	۱
۲/۷۶	۱۵	۳/۱۵	۲۱		۲
۱۵/۲۹	۸۳	۱۷/۹۹	۱۲۰	گرایش به رادیکالیسم	۳
۱۵/۲۹	۸۳	۱۷/۳۹	۱۱۶		۴
۳/۹۴	۱۶۸	۲۱/۱۴	۱۴۱	متوسط	۵
۱۰/۱۳	۵۵	۸/۸۵	۵۹		۶
۲۰/۰۷	۱۰۹	۲۳/۲۴	۱۵۵	گرایش به محافظه کاری	۷
۳/۱۳	۱۷	۳/۴۵	۲۳		۸
۱/۶۶	۹	۳/۱۵	۲۱	بسیار محافظه کار	۹
	۵۴۳		۶۶۷	جمع	
	۵/۰۹		۵/۰۹	میانگین	
	۱/۶۱		۱/۸۱	انحراف معیار	

جدول ۱۳- نتایج درصدی مجموعی میزان I-C در میان مردان و زنان تیزهوش

زنان	مردان	جنسیت
		حیطه‌های I-C
۱۸/۸	۲۲/۸	۱ و ۳
۵۶/۴	۴۷/۴	۴ و ۵
۲۴/۹	۲۹/۸	۷ و ۹

وضعیت شغلی

خودسنجی در I-C از لحاظ وضعیت شغلی، دارای تنوع و پراکندگی بود. گروههای شغلی مورد نظر در ۶ بخش، تقسیم‌بندی شده است:

I حقوقدان، اعضاء هیأت علمی دانشگاه، مهندس، فیزیکدان، شیمی دان، نویسنده یا روزنامه‌نگار، معلمین دبیرستان، روحانی، هنر پیشه یا آهنگساز، معمار و...

II صاحبان صنایع، تجارت، حمل و نقل، کارکنان بانک، دفترداری، امور مالی، بیمه، حسابدار، آمارگر، امور رفاهی، خدمات شغلی، نظامی، سیاسی و اداری، موسیقی دان و معلم موسیقی، تهیه کننده فیلم، کارگردان، ناشر، امور مربوط به رادیو و تلویزیون، اقتصاددان.

III کارمندان اداری، فروشنده، کارگردان در امور تجاری یا صنعتی، نماینده بیمه، روابط عمومی، تجارت خرد، بازرگان، عکاس، معلم ورزش، آزمایشگاه، بازرس، سرکارگر، مباشر و ناظر، فیلمسازی.

IV مشاغل کشاورزی و...

V کارمند دون پایه، کارکنان نیمه ماهر.

VI مشاغل با مهارت بسیار پایین.

جدول ۱۴- نتایج درصدی مجموعی میزان F-C در میان مردان و زنان تیزهوش

III-IV	II	I	جنسیت میزان F-C
۱۷۵	۱۵۸	۲۸۱	تعداد
۵/۳۰	۵/۲۳	۴/۹۸	میانگین
۱/۸	۱/۹	۱/۸	انحراف معیار

جدول ۱۵- وضعیت شغلی و میزان F-C در گروه I

انحراف معیار	میانگین	تعداد	میزان F-C مشاغل
۱/۶	۳/۷	۲۳	مؤلف، نویسنده، روزنامه نگار
۱/۷	۴/۶	۶۴	معلم
۱/۴	۵/۲	۲۴	شیمیدان
۱/۶	۵/۳	۳۷	طبيب
۱/۹	۵/۴	۴۲	مهندس
۱/۸	۵/۵	۶۱	حقوقدان

نویسندگان و روزنامه نگاران، رادیکال ترین گروههای شغلی می باشند. شیمیدانها، اطباء، مهندسين و حقوقدانان، محافظه کارترین افراد گروه I را تشکیل می دهند. در حالی که معلمین، وضعیت متوسط مایل به رادیکالیسم را نشان می دهند.

درآمد

به طور کلی درآمدهای بالای ۳۵۰ دلار در ماه، ارتباط دقیقی با محافظه کاری دارد.

جدول ۱۶- میزان F-C و درآمد تیزهوشان

درآمدهای بالای ۳۵۰	۲۵۱-۳۵۰	۱۵۱-۲۵۰	۱۵۰ دلار یا کمتر	درآمدهای بالای ۳۵۰ میزان F-C
۷۰	۱۰۱	۲۵۴	۱۱۷	تعداد
۵/۷۹	۴/۹۱	۵/۱۲	۴۴/۹	میانگین
۱/۷۶	۱/۶۸	۱/۸۲	۱/۸۹	انحراف معیار

تحصیل

تفاوتهای میان فارغ التحصیلان دانشگاهها با غیر فارغ التحصیلان، معنی دار نیست. وضعیت F-C در میان مردان و زنان برعکس است. به طور کلی، میزان تحصیلات به طرز مشخصی، ارتباط به رادیکالیسم سیاسی و اجتماعی ندارد.

جدول ۱۷- میزان F-C و وضعیت مردان و زنان تیزهوش

زنان		مردان		وضعیت تحصیلی میزان F-C
فارغ التحصیل	غیر فارغ التحصیل	فارغ التحصیل	غیر فارغ التحصیل	
۳۵۳	۱۷۸	۴۶۱	۱۸۷	تعداد
۵/۱۲	۵/۰۹	۵/۰۷	۵/۱۶	میانگین

انحراف معیار	۱/۸۵	۱/۸۰	۱/۶۱	۱/۶۱
--------------	------	------	------	------

وضعیت روانی

در هر دو جنس، گرایش به رادیکالیسم با علائم مرضی افزایش می‌یابد.

جدول ۱۸- میزان F-C و وضعیت روانی مردان و زنان تیزهوش

بیماری جدی	کژکنشی کم	رضایت بخش	وضعیت روانی	
			میزان F-C بر حسب جنسیت	
۲۳	۱۰۷	۵۳۱	تعداد	مردان
			میانگین	
۴/۳۵	۴/۷۴	۵/۲۰		
۲۱	۷۸	۴۴۵	تعداد	زنان
			میانگین	
۴/۲۹	۴/۷۶	۵/۱۹		

سازگاری اجتماعی

در سال ۱۹۲۸، از بررسی وضعیت سازگاری اجتماعی تیزهوشان و رابطه آن با خودسنجی در F-C براساس آنچه در جدول نوزده آمده است تفاوت معنی داری میان دو جنس مشاهده نگردید.

جدول ۱۹- میزان F-C و وضعیت سازگاری اجتماعی تیزهوشان

مسائل کم و بیش	رضایت بخش	سازگاری اجتماعی	
		میزان F-C بر حسب جنسیت	
۳۴	۴۱۳	تعداد	مردان
		میانگین	
۴/۶۲	۵/۱۸		
۲۰	۳۸۳	تعداد	زنان
		میانگین	
۴/۹۵	۵/۱۲		

جهان بینی

کلارک^{۲۴} (۱۹۸۵) دیدگاههای فلسفی ۳۲۴ کودک ۶ تا ۱۰ ساله را که نیمی از آنها تیزهوش بودند، بررسی نمود. تیزهوشان و غیرتیزهوشان از لحاظ سن، جنس و طبقه اقتصادی - اجتماعی همسان شده بودند. نتایج مشخص نمود که افراد تیزهوش، بیشتر روزنامه می‌خوانند. به موضوعات و مسائل ملی، اخبار جهانی و امور مربوط به جنگ توجه بیشتری مبذول می‌دارند. آنها همچنین از لحاظ توجه به موضوعات آموزشی و تربیتی، مسائل سیاسی و بین‌المللی میان ایالات متحده و سایر ممالک، در مقایسه با غیر تیزهوشان، تفاوت نشان می‌دهند.

یادداشتها

- | | |
|----------------------------------|---|
| ۱- Attitude | ۲- self-concept |
| ۳- self-esteem | ۴- Locus of control |
| ۵- Educational Self-Concept | ۶- Piers-Harris Children's Self-Concept Scale |
| ۷- Gough | ۸- Pierce |
| ۹- Morrow & Wilson | ۱۰- Educational Attitude |
| ۱۱- attribution | ۱۲- Internal Locau of control |
| ۱۳- Self rating | ۱۴- Radicalism-Conservatism |
| ۱۵- Minnesota Occupational Scale | ۱۶- Concept Mastery test |
| ۱۷- Political Affiliations | ۱۸- Voting Habits |

- ۱۹- Alexander, Patricia A. (Texas A & M U, Coll of Education, College Station) Gifted and nongifted students' perceptions of intelligence. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۵ (sum), Vol ۲۹(۳), ۱۳۷-۱۴۳.
- ۲۰- Ballering, Laurie D. & Koch, Alberta. (Wichita Falls School District, TX) Family relations when a child is gifted. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۴ (sum), Vol ۲۸(۳), ۱۴۰-۱۴۳.
- ۲۱- Brody, Linda E. & Benbow, Camilla P. (Johns Hopkins U) Social and emotional adjustment of adolescents extremely talented in verbal of mathematical reasoning. *Journal of Youth of & Adolescence*, ۱۹۸۶ (Feb), Vol ۱۵(۱), ۱-۱۸.
- ۲۲- Brown, K. Eliot & Karnes, Frances A. (U Southern Mississippi, Hattiesburg) Representative and non-representative items for gifted students on the Piers-Harris Children's Self-concept Scale. *Psychological Reports*, ۱۹۸۲ (Dec), Vol ۵۱(۳,pt ۱), ۷۸۷-۷۹۰.
- ۲۳- Chovam, William L. & Morrison, E. mebecca. (Western Carolina U) Correlates of self-concept among variant children. *Psychological Reports*, ۱۹۸۴ (Apr), Vol ۵۴(۲), ۵۳۶-۵۳۸.
- ۲۴- Clark, W. Hester & Hankins, Norman E. (East Tennessee state U) Giftedness and conflict. Special Issue: Counseling gifted persons: A lifelong concern. *Roepers Review*, ۱۹۸۵ (sep), Vol ۸(۱), ۵۰-۵۳.
- ۲۵- Colangelo, Nicholas & Kelly, Kevin R. (U Iowa Div of Counselor Education, Iowa City) A Study of student, Parent and teacher attitudes toward gifted programs and gifted students. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۳ (sum), Vol ۲۷(۳), ۱۰۷-۱۱۰.
- ۲۶- Coleman, J. Michael & Fults, Betty A. (U Texas School of Human Development, Dallas) Special-class placement level of intelligence and the self-concepts of gifted children: A social comparison perspective. *RASE: Remedial and Special Education*, ۱۹۸۵ (Jan-Feb), Vol ۶(۱), ۷-۱۲.
- ۲۷- Davis, Hilarie B. & Connell, James P. (Madison Public School District, N. J) The effect of aptitude and achievement status on the self-system. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۵(sum), Vol ۲۹(۳), ۱۳۱-۱۳۶.
- ۲۸- Dorhout, Albert. (Northwest Educational Improvement Ctr, Morris Plains, NJ) Student and teacher perceptions of preferred teacher behaviors among the academically gifted. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۳ (Sum), Vol ۲۷(۳), ۱۲۲-۱۲۵.
- ۲۹- Friedman, Paul G.; Friedman, Reva J. & Van Dyke, Mary. (U Kansas Human Relations Program) Identifying the Leadership gifted: Self, peer, or teacher nominations? *Roepers Review*, ۱۹۸۴ (Nov), Vol ۷(۲), ۹۱-۹۴.
- ۳۰- Gallagher, James J. Teaching the Gifted Child, ۱۹۷۵, (Second Education) Allyn and Bacon, Inc. ۳۴۲-۳۵۲.
- ۳۱- Gourley, Theodore J. (State of New Jersey Dept of Education, Trenton) Do we identify or reject the gifted student? *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۴ (Fal), Vol ۲۸(۴), ۱۸۸-۱۹۰.
- ۳۲- Harty, Harold; Adkins, Darlene M. & Hungate, Eugene W. (Indiana U, School of Education, Bloomington) Exploring self-concept and locus of control of students in two recognized approaches to elementary school gifted education. *Roepers Review*, ۱۹۸۴ (Nov), Vol ۷(۲), ۸۸-۹۱.
- ۳۳- Harty, Harold & Beall, Dwight. (Indiana U, Science Education Program Area, Bloomington) Attitudes toward science of gifted and nongifted fifth graders. *Journal of Research in Science Teaching*, ۱۹۸۴ (May), Vol ۲۱(۵), ۴۸۳-۴۸۸.
- ۳۴- Janos, Paul M.; Fung, Hellen C. & Robinson, Nancy M. (U Washington Child Development Research Group, Early Entrance Program, Seattle) Self-concept, self-esteem, and peer relations among gifted children who feel "different". *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۵ (Spr), Vol ۲۹(۲), ۷۸-۸۲.
- ۳۵- Kelly, Kevin R. & Colangelo, Nicholas. (U Iowa, Iowa City) Academic and social self-concepts of gifted, general, and special students. *Exceptional Children*, ۱۹۸۴ (Apr), Vol ۵۰(۶), ۵۵۱-۵۵۴.
- ۳۶- Martin, Charles E. (Southeastern Louisiana U) Why Some gifted children do not like to read. *Roepers Review*, ۱۹۸۴ (Nov), Vol ۷(۲), ۷۲-۷۵.
- ۳۷- McEwin, C. Kenneth & Cross, Arthur H. (Appalachian State U) A comparative study of perceived victimization, perceived anonymity, self-esteem, and preferred teacher characteristics of gifted and talented and non-labeled early adolescents. *Journal of Early Adolescence*, ۱۹۸۲ (Fal), Vol ۲(۳), ۲۴۷-۲۵۴.
- ۳۸- Midgett, Jeanice & Olson, Judy. (U Central Florida) Perceptions of gifted programming. *Roepers Review*, ۱۹۸۳ (Feb), Vol ۵(۳), ۴۲-۴۴.
- ۳۹- Powers, Stephen & Douglas, Peggy. (Tucson Unified School District, Legal & Research Services, AZ) Attributions for success and failure of academically gifted high school students. *Psychological Reports*, ۱۹۸۳ (Oct), Vol ۵۳(۲), ۵۹۷-۵۹۸.
- ۴۰- Prochaska, Janice M. & Prochaska, James O. (Child & Family Services of Newport County, Newport, RI) Children's views of the causes and "cures" of sibling rivalry. *Child Welfare*, ۱۹۸۵ (Jul-Aug), Vol ۶۴(۴), ۴۲۷-۴۳۳.
- ۴۱- Simmons, Carolyn H. & Zumpf, Connie. (U Colorado, Denver) The gifted child Perceived competence prosocial moral reasoning and charitable donations. *Journal of Genetic Psychology*, ۱۹۸۶ (Mar), Vol ۱۱۴(۱), ۹۷-۱۰۵.
- ۴۲- Solano, Cecilia H. (Wake Forest U) self-concept in mathematically gifted adolescents. *Journal of General Psychology*, ۱۹۸۳ (Jan), Vol ۱۰۸(۱), ۳۳-۴۲.
- ۴۳- Stander, Cora. (U South Africa Pretoria) Selfkonsepverandering by begaafde Kinders. / self-concept changes of gifted children. (Afri) *South African Journal of Psychology*, ۱۹۸۴ (Sep), Vol ۱۴(۳), ۹۰-۹۴.
- ۴۴- Terman, Lewis & Oden, Melita/Genetic Studies of Genius/ ۱۹۷۶/Volume IV & V P.۱۳۹-۱۲۰-۱۳۰-۲۱۴-۲۲۳.
- ۴۵- Winne, Philip H.; Woodlands, Margaret J. & Wong, Bernice Y. (Simon Fraser U Faculty of Education, Instructional Psychology Research Group, Burnaby, Canada) Comparability of self-Concept among learning disabled, normal, and gifted students. *Journal of Learning Disabilities*, ۱۹۸۲ (Oct), Vol ۱۵(۸), ۴۷۰-۴۷۵.
- ۴۶- Zaffrann, Ronald T. (Marquette U) Development of attitudes about control in gifted and talented adolescents: Family and school influences. *Adolescence*, ۱۹۸۳ (Sum), Vol ۱۸(۷۰), ۲۶۹-۲۸۳.

